

روایت نویسنده



عکس: The Guardian



نامه وزیر ارشاد به رئیس قوه قضائیه

نامه‌ای منتسب به وزیر ارشاد خطاب به رئیس قوه قضائیه درباره «حذف آگهی‌های ثبتی» از رسانه‌های مکتوب، در فضای مجازی منتشر شده است. در این نامه وزیر با اشاره به «شرایط سخت فعلی برای دست‌اندرکاران رسانه‌ها»، از رئیس قوه قضائیه خواسته است، دستور لغو این ابلاغیه را صادر کند. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، در نامه منتشرشده از غلامحسین محسنی‌اژه‌ای خواسته شده است، دستور مدیرکل حقوقی و امور مجلس سازمان ثبت مبنی بر عدم انتشار آگهی‌های ثبتی در مطبوعات، لغو شود. در بخشی از نامه سیدعباس صالحی همچنین به وضعیت مالی روزنامه‌ها در کشور اشاره شده و آمده است: «تکلیف قانونی درج آگهی‌های دولتی در رسانه‌های چاپی، علاوه بر برقراری جریان سالم اطلاعات در سطح جامعه، روزه‌ای هر چند اندک، به روی تامین مالی قسمتی از هزینه‌های بسیار سنگین این بخش مهم از فرهنگ جامعه می‌گشاید.» ضمن اینکه این نکته یادآوری شده که هزینه این آگهی‌ها توسط مردم پرداخت می‌شود و ربطی به بودجه کل کشور و یارانه‌ها ندارد.



هیئت مدیره جدید انجمن مستندسازان

هیئت مدیره دوره پانزدهم انجمن مستندسازان سینمایی ایران انتخاب شد. روابط عمومی انجمن مستندسازان ضمن اعلام این خبر نوشت، مجمع عمومی «انجمن مستندسازان سینمای ایران» عصر روز یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۳ در سالن اجتماعات فرهنگیان قریب برگزار شد. طبق دستور مجمع، گزارش عملکرد هیئت مدیره، گزارش خزانه‌دار و گزارش بازرس به بحث و رأی گذاشته و تصویب شدند. سپس انتخابات برای تعیین هیئت مدیره و بازرس جدید برگزار شد و ابراهیم مختاری، شمیم مستقیمی، فریده صارمی، مرتضی پایه‌شناس و رضا عاطفی به‌عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و فرزاد جعفری و محمدباقر سلمانی به‌عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند. ناهید رضایی نیز به‌عنوان بازرس اصلی و محمدشاهوردی به‌عنوان بازرس علی‌البدل انتخاب شدند. این پانزدهمین هیئت مدیره انجمن مستندسازان سینمای ایران است که ظرف یک هفته‌ی آینده به‌طور رسمی کار خود را آغاز خواهد کرد.



بازگشت فرهاد فخرالدینی به صحنه

منظومه سیمیرغ (فاف)، آخرین اثر آهنگساز و رهبر ارکستر پیشکسوت ایرانی، در روزهای آغازین آذرماه روی صحنه می‌رود. به نقل از روابط عمومی این رویداد، فرهاد فخرالدینی این اثر را براساس «منطق الطیر» (شاهکار ماندگار عطار نیشابوری) در پنج موومان ساخته و قرار است آن را به همراه ارکستری متشکل از حدود ۱۰۰ نوازنده شناخته‌شده موسیقی کلاسیک ایران به اجرا درآورد. این آهنگساز برجسته موسیقی ایران، پیش از این موسیقی ماندگار سریال‌هایی چون «بوغلی‌سینا»، «سربداران»، «امام علی (ع)»، «روزی روزگاری»، «کیف انگلیسی» و... را ساخته است. همچنین فخرالدینی، بنیان‌گذار ارکستر ملی موسیقی ایران از سال ۱۳۷۷ بوده که منشأ اتفاقات بزرگی در زمینه موسیقی ملی و کلاسیک ایرانی بوده است. کنسرت منظومه سیمیرغ (فاف) از سی‌ام آبان‌ماه ۱۴۰۳ روی صحنه تالار وحدت به اجرا در خواهد آمد.

گفت‌وگو با هان کانگ برنده جایزه نوبل، درباره رمان گیاهخوار که او را جهانی کرد

شخصیتی که می‌خواهد گیاه شود

مختلف ترجمه و منتشر می‌شوند. در سال‌های اخیر، تعداد مترجمانی که روی ادبیات کره‌ای کار می‌کنند به شکل صعودی افزایش یافته است؛ پدیده‌ای که به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی با موفقیت جهانی سینما و موسیقی پاپ کره‌ای دارد.

«رمان گیاهخوار» براساس داستان کوتاه «ثمره‌ی زن من» نوشته شده. چه چیز باعث الهام شما شد تا آن را به رمانی بلند یادداستانی در سه بخش توسعه دهید؟

بعد از نوشتن «ثمره‌ی زن من»، امیدوار بودم یک روز نوع دیگری از آن داستان را بنویسم. بعد از نوشتن دو رمان بلند بود که توانستم در رمان سوم «گیاهخوار» این کار را بکنم. به‌خصوص در بخش اول این رمان، بسیاری از رپاهای رسمی داستان کوتاه اولیه را حفظ می‌شود. برای مثال شوهر، نقش راوی غیرقابل اعتماد را برعهده می‌گیرد و صدای قهرمان زن فقط تا حدی، در رؤیایها یا در مونولوگ‌های خطاب به مادرش ظاهر می‌شود. تفاوت میان این دو داستان درباره‌ی زنی که گیاه می‌شود - یا می‌خواهد بشود - در میزان تریک بودن، اشتیاق و شدت نهفته است. «گیاهخوار» تاریک‌تر، شدیدتر و دردناک‌تر است. هیچ چیز فراطبیعی مانند «ثمره‌ی زن من» اتفاق نمی‌افتد و شخصیت‌ها در میان واقعیت بی‌رحمانه نابود می‌شوند. تفاوت دیگر این است که قهرمان رمان، یک خواهر دارد که حس عجیبی از یکی‌انگاری خود با دیگری ایجاد می‌کند.

«گیاهخوار» به بیش از ۲۰ زبان دنیا ترجمه شده است. آیا واکنش به این رمان در کشورهای مختلف متفاوت بوده و این که آیا هیچ‌کدام از آن واکنش‌ها شما را شگفت‌زده کرد؟ آن خوانشی متفاوت (برای مثال توسط خوانندگان جوان) در جاهای مختلف جذب کرد یا برداشت‌های متفاوتی از آن صورت گرفت؟

دیدن تفاوت‌های ظریف در تفسیر بین فرهنگ‌ها و نسل‌های مختلف جذاب است، اما چیزی که من را بیشتر به خود جلب می‌کند، نحوه استقبال از رمان به‌طور کلی است. به‌عنوان مثال، در همه‌جا بیشتر مورد استقبال و درک خوانندگان زن قرار گرفته است.

«برای نسخه‌ی انگلیسی، شما با مترجم کتاب، دیورا اسمیت (اسمیت خود زبان کره‌ای یاد گرفت و این اولین کتابی بود که ترجمه کرد)، کار کردید. این تجربه در مقایسه با سایر ترجمه‌های زبان چگونه بود؟ و وقتی سطحی از بحث و جدل در مورد ترجمه وجود داشت، چه حسی داشت؟

برخلاف نگرانی‌هایی که خیلی‌ها ابراز می‌کنند، من معتقد نیستم که مترجم عمداً اصل کتاب را تضعیف کرده باشد، همچنین معتقد نیستم که او اثر جدیدی ساخته است که کاملاً متفاوت از اصل باشد. اشتباهات تصحیح شده‌اند و ترجمه



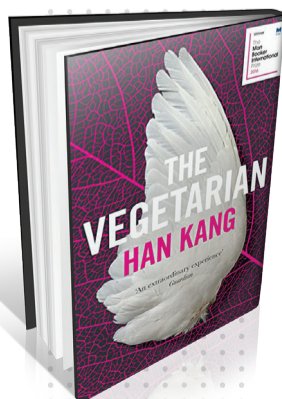
ترجمه: زینب کاظم‌خواه خبرنگار گروه فرهنگ

هان کانگ، نویسنده کره‌ای که به تازگی برنده‌ی نوبل ادبیات شده است دلش نمی‌خواهد با بردن جایزه نوبل، حالا در کانون توجه قرار بگیرد؛ او ترجیح می‌دهد در آرامش زندگی و کار کند و روی نوشتنش متمرکز باشد. برای همین بعد از این که جایزه نوبل ادبیات را گرفت، زندگی برایش مثل قبل بود، او نه کنفرانس خبری بعد از جایزه گذاشت و نه اجازه داد رسانه‌های مختلف برای مصاحبه با او هجوم بیاورند. او بعد از جایزه فقط یک مصاحبه کرد آن هم مصاحبه‌ای نه چندان بلند. او در آن مصاحبه اشاره کرد که پدرش می‌خواست به برایش مهمانی بزرگی بگیرد اما او دلش نمی‌خواست و به آشفتگی جهان اشاره کرده و گفته بود که امیدوار است حداقل روزی از گذشته درس بگیریم و دست کشیدن از کشتار، نتیجه‌ای واضح است که ما باید آن را یاد گرفته باشیم. هان کانگ نویسنده‌ای که بزرگ‌ترین افتخار دنیای ادبیات را کسب کرده، دلش می‌خواهد چیزی آرامش زندگی‌اش را نخراشد و مثل قبل زندگی کند؛ دور از آنچه او آن را هیاهو و آشفتگی دنیا می‌داند. مصاحبه‌ای که در ادامه می‌خوانید، مصاحبه‌ای است که هان کانگ نویسنده‌ی کره‌ای بعد از این که کتاب «گیاهخوار» او برنده‌ی بوکر شد، با سایت بوکر انجام داد اما چند روز قبل منتشر شد.

شما اولین برنده‌ی جایزه بین‌المللی بوکر بعد از تغییر قوانین در سال ۲۰۱۶ بودید. برنده شدن چه حس و معنایی برای شما داشت؟

من «گیاهخوار» را بین ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نوشتم و به‌عنوان یک رمان بلند در ۲۰۰۷ منتشر کردم. به‌خاطر می‌آورم فکر می‌کردم که برنده شدن یک جایزه بین‌المللی، آن هم جایزه‌ی بوکر در ۲۰۱۶ بیش از یک دهه بعد نوشتن رمان، نسبتاً عجیب (از وجه خویش) بود. پس از برنده شدن این جایزه، آثار دیگرم از جمله «اعمال انسانی»، «کتاب سپید» و «درس‌های یونانی»، همچنین جدیدترین رمانم: «ما از هم جدا نمی‌شویم» به چندین زبان ترجمه شد یا در حال ترجمه است. جایزه‌ی بین‌المللی بوکر کمک زیادی به آثارم کرد تا مخاطبان بیشتری را در فرهنگ‌های مختلف به دست آورند.

شما اولین کره‌ای هستید که برای جایزه‌ی نامزد و برنده می‌شوید. آیا حس می‌کنید که در نتیجه‌ی برنده شدن شما، داستان‌های کره‌ای بیشتر به رسمیت شناخته‌شده‌اند یا به هر حال در سطح بین‌المللی بیشتر دیده می‌شوند؟ در آن زمان، شاعران و نویسندگان عالی‌کوره‌ای - مانند کیم هایسون - بودند که کارهایشان به انگلیسی ترجمه شده بود. حالا هر روز کارهای بیشتری از نویسندگان کره‌ای در کشورهای



به خودی خود عملی بسیار دشوار و پیچیده است که مستلزم کاستی‌ها و کاوش‌هایی است. شاعرانگی، ریتم، تنش شاعرانه، ظرافت، معانی چندلایه، بافت عمیق فرهنگی زبان مبدأ - هرآنچه فقط در آن زبان ممکن است - در گذار به زبان مقصد ناگزیر از بین می‌رود. وظیفه‌ی چالش‌برانگیز برای هر مترجمی این است که در این تونل تاریک از دست دادن [معنا] پیمایش کند و نزدیک‌ترین معادل‌ها یا قیاس‌ها را بیابد تا حد امکان به متن اصلی وفادار بماند.

اولین بار با نسخه‌ی انگلیسی «گیاهخوار» روبه‌رو شدم که گرانتا بوکر فایل نسخه‌ی اولیه را برلیم فرستاد. در آن زمان آن قدر غرق در نوشتن «اعمال انسانی» بودم که صادقانه بگویم، تقریباً سه یا چهار ساعت را صرف خواندن نسخه‌ی اولیه کردم، بدون اینکه حتی کلماتی را در فرهنگ لغت جست‌وجو کنم. هنگام مطالعه چند خطا را پیدا کردم و درباره‌ی آن‌ها چند ایمیل را با دیورا اسمیت ردوبدل کردم. این میزان درگیری من با ترجمه‌ی «گیاهخوار» بود. با این که در ۲۰۱۵، وقتی دیورا روی «اعمال انسانی» کار می‌کرد، من مشغول نوشتن چیز دیگری نبودم و از نظر ذهنی کاملاً آلامش داشتم تا خیلی عمیق‌تر و بیشتر با او درباره‌ی ترجمه گفت‌وگو کنم. وقتی دیورا داشت «کتاب سپید» را در ۲۰۱۷ ترجمه می‌کرد من و او، با هم جمله به جمله‌ی ترجمه را با متن اصلی مقایسه کردیم. وقتی بحث داغی بر سر ترجمه‌ی کتاب «گیاهخوار» به راه افتاد، آرزو می‌کردم که ای‌کاش به همان اندازه که برای «اعمال انسانی» وقت گذاشته بودم، برای بررسی ترجمه‌ی آن کتاب هم وقت صرف می‌کردم. در واقع شاید باید کارشناسی را مأمور می‌کردم که جمله به جمله‌ی آن را با اصل مقایسه کند.

بحث شامل دو موضوع اصلی بود؛ درک نادرست و اشتباهات مفهومی، یکی از مشکلات درک نادرست حروف چینی بود و زمانی که فاعل‌ها از جملات کنار گذاشته می‌شدند این اتفاق می‌افتاد؛ موضوعی که در کره رایج است. در سال ۲۰۱۷، دیورا ۶۷ اصلاح، براساس این بازخورد انجام داد. نسخه‌های بریتانیایی و آمریکایی «گیاهخوار» که در سال ۲۰۱۸ تجدید چاپ شد، همراه با ترجمه‌های دیگر، به‌روز شد تا این اصلاحات را در آن بگنجانند. موضوع دوم این است که ترجمه چقدر با متن اصلی تفاوت دارد. ترجمه‌های غلط به‌عنوان شاهده‌ی برای این نگرانی ذکر شده است به‌عنوان مثال، کلمه کره‌ای «cheocheong» به خواهر بزرگتر همسر یک فرد اشاره دارد، اما از آنجایی که قسمت اول کلمه «cheo» به‌معنای «همسر» و قسمت دوم «hyeong» به‌معنای «برادر بزرگ‌تر» است، می‌تواند گیج‌کننده باشد و باعث تفسیر اشتباه شود که مترجم شخصیت‌ها را تغییر داده است. همچنین تقریباً نیم صفحه از متن اصلی در ترجمه انگلیسی وجود ندارد، که می‌دانم این تصمیم ویرایشی از سوی ناشر بوده